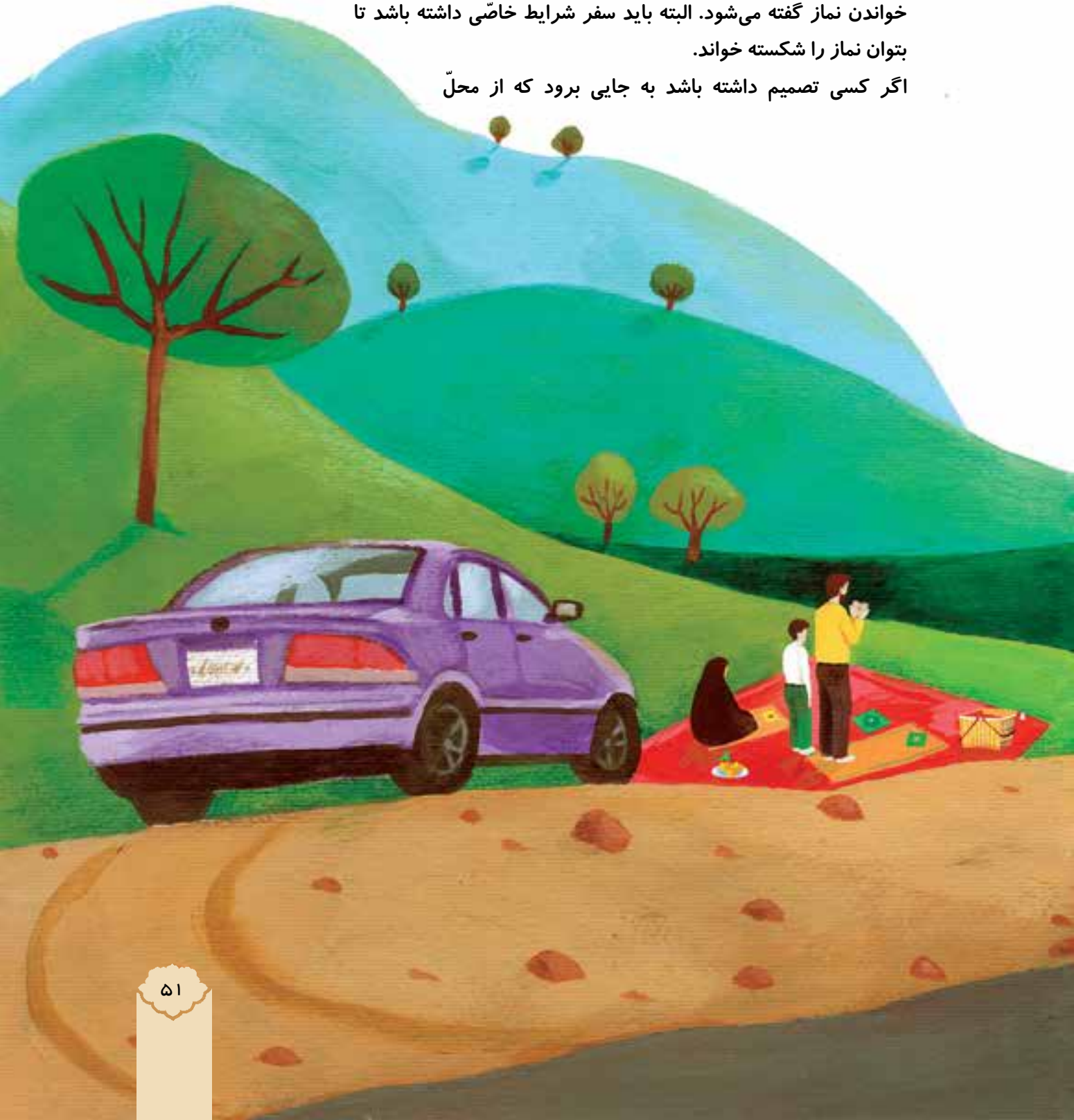


نماز و روزه را بر ما آسان گرفته است.

نماز مسافر

مسافر باید نمازهای چهار رکعتی ظهر، عصر و عشا را دو رکعتی بخواند. به این کار شکسته خواندن نماز گفته می‌شود. البته باید سفر شرایط خاصی داشته باشد تا بتوان نماز را شکسته خواند.
اگر کسی تصمیم داشته باشد به جایی برود که از محلّ



سکونتش، بیش از ۲۲ کیلومتر فاصله دارد، باید نمازش را شکسته بخواند. این در صورتی است که بخواهد کمتر از ده روز آنجا بماند؛ اما اگر بداند ده روز یا بیش تر در آن مکان می ماند، دیگر نمازش شکسته نیست و از همان اول باید نماز را کامل بخواند.

روزه‌ی مسافر

کسانی که در ماه رمضان مسافرت می کنند، لازم است احکام آن را بدانند: مسافری که نمازهای چهار رکعتی را شکسته می خواند، نباید روزه بگیرد ولی مسافری که نمازش را کامل می خواند، باید در سفر هم روزه بگیرد.

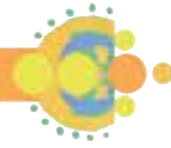
- اگر روزه دار بعد از ظهر مسافرت کند، روزه اش درست است و اگر پیش از ظهر مسافرت کند، روزه اش باطل می شود.
- اگر مسافر بعد از ظهر به محل سکونتش برسد، نمی تواند آن روز را روزه بگیرد.
- مسافری که پیش از ظهر به محل سکونتش برسد، چنان چه کاری که روزه را باطل می کند، انجام نداده است، باید آن روز را روزه بگیرد.
- کسی که به خاطر مسافرت نتوانسته است روزه بگیرد، باید پس از ماه مبارک رمضان قضای آن ها را بجا آورد، یعنی به تعداد روزهایی که روزه نگرفته است، روزه بگیرد.



در سفر، مکان هایی هست که می توانیم نماز را کامل بخوانیم، حتی اگر کمتر از ۱۰ روز در آنجا بمانیم:

- ۱- مسجد الحرام در مکه
- ۲- مسجد النبی در مدینه
- ۳- مسجد کوفه
- ۴- کنار ضریح امام حسین علیه السلام

گفت و گو کنید



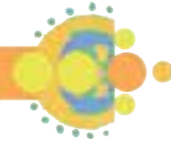
- خانواده‌ی سعید در تهران ساکن هستند.
- در موارد زیر، نماز سعید شکسته است یا کامل؟
- آن‌ها به همراه پدر و مادر خود برای زیارت امام رضا (علیه‌السلام) به مشهد رفته‌اند و می‌خواهند ۷ روز در آنجا بمانند.
 - با خانواده‌ی خود، ۵ کیلومتر از شهر برای تفریح خارج شده است.
 - برای دیدن مادر بزرگ به اصفهان رفته‌اند و قصد دارند دو هفته آنجا بمانند.

فکر کن و بگو



چه مسافری نمی‌تواند در ماه رمضان روزه بگیرد؟

گفت و گو کنید



- خانواده‌ی ریحانه در شیراز ساکن هستند.
- در کدام یک از موارد زیر، روزه‌ی ریحانه صحیح است؟
- صبح یک روز جمعه، برای دیدار خویشاوندان به همراه خانواده‌ی خود، به روستایی در ۱۵ کیلومتری شیراز می‌رود.
 - با خانواده‌ی خود در اولین روز ماه رمضان، بعد از خواندن نماز ظهر و عصر به سمت قم حرکت می‌کنند.
 - صبح روز بعد به قم می‌رسند و تصمیم می‌گیرند ۱۲ روز در آنجا بمانند.
 - در پایان سفر، شب هنگام از قم حرکت می‌کنند و ساعت ۲ بعدازظهر به شیراز می‌رسند.

درس سیزدهم عید مسلمانان

دو پیامبر بزرگ خدا، حضرت ابراهیم و اسماعیل مأمور شدند که خانه‌ی خدا را در مکه تجدید بنا کنند و آن را برای خدا پرستان آماده سازند. پس از حضرت ابراهیم، مشرکان مکه بت‌های خود را در خانه‌ی کعبه قرار دادند و هنگام طواف در برابر آن‌ها تعظیم می‌کردند. هنگامی که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) به پیامبری رسید، خدا به او دستور داد خانه‌اش را از بت‌ها پاک کند و آن را مخصوص عبادت خدا پرستان قرار دهد. هر ساله مسلمانان بسیاری از سراسر جهان برای زیارت خانه‌ی خدا به مکه می‌روند. آن‌ها پیش از ورود به مکه، لباس احرام می‌پوشند و با لباسی یکسان وارد مسجد الحرام می‌شوند. سپس به



دور خانه خدا هفت دور طواف می‌کنند، بعد از آن دو رکعت نماز می‌خوانند و آن‌گاه فاصله‌ی میان دو کوه صفا و مروه را نیز هفت بار طی می‌نمایند. کسانی که برای انجام مراسم حج به مکه می‌روند، در روز عید قربان به فرمان خدا گوسفندی قربانی می‌کنند. بسیاری از کسانی هم که در مکه نیستند، در شهر خود گوسفندی قربانی می‌کنند و گوشت آن را میان نیازمندان تقسیم می‌نمایند.



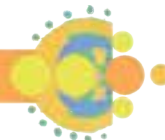
در پایان ماه رمضان نیز، روز عید فطر فرا می‌رسد. مسلمانان در آن روز به عنوان زکات، پولی به نیازمندان می‌دهند. چنان‌که گفتیم در عید قربان نیز گوشت قربانی را به مستمندان می‌دهند. بنابر این عید ما مسلمانان روزی است که فقیران نیز شاد و خوش حال شوند. در روزهای عید فطر و عید قربان، غسل می‌کنیم، بهترین لباس‌های خود را می‌پوشیم و دو رکعت نماز عید می‌خوانیم.

فکر کن و بگو



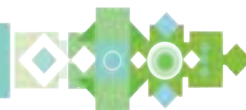
با توجه به آنچه در درس خواندیم، مراسم حج چه فایده‌هایی دارد؟

گفت‌وگو کنید



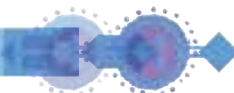
عید ما مسلمانان چه ویژگی مهمی دارد؟

خاطره‌گویی



خاطره‌ای از شرکت خود در مراسم نماز عید فطر، در کلاس برای دوستانتان بیان کنید.

همراه با خانواده



با یکی از آشنایان که به سفر حج رفته‌اند، گفت‌وگو کنید و خاطرات شیرین آن‌ها را در کلاس بیان نمایید.

درس چهاردهم راز موفقیت

کنار حیاط مدرسه ایستاده بودم، ناگهان چشمم به مورچه‌ای افتاد که دانه‌ای بزرگ‌تر از خود را به دهان گرفته و از دیوار بالا می‌برد. در وسط راه به زمین سقوط کرد ولی دوباره تلاش کرد. بعد از ده‌ها بار افتادن و برخاستن، بالاخره موفق شد به بالای دیوار صعود کند و بارش را به منزل برساند.

با خودم گفتم: من از این مورچه کمتر نیستم. باید تلاش کنم تا در امتحانات بعدی موفق شوم. فهمیدم که با کوشش و پشتکار می‌توان به موفقیت رسید. نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود. مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد



تلاش و کوشش از جمله عواملی است که انسان را در رسیدن به اهداف و خواسته‌هایش کمک می‌کند. دلیل این امر آن است که عاقبت، هر جوینده‌ای یابنده است و کسی که برای رسیدن به چیزی تلاش کند، به مقدار تلاشش به آن دست خواهد یافت. خداوند بزرگ در قرآن می‌فرماید:

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ

برای انسان جز آنچه تلاش کرده (هیچ نصیب و بهره‌ای) نیست.

سوره‌ی نجم، آیه‌ی ۳۹

فکر می‌کنید برای رسیدن به موفقیت، تلاش کافی است؟ تلاش و کوشش، گرچه اهمیت بسیار دارند، اما در صورتی موفقیت را به دنبال دارند که با نظم و برنامه‌ریزی همراه شوند. یعنی ابتدا فعالیت‌هایی را که لازم است برای رسیدن به هدف انجام دهیم، مشخص کنیم و سپس هر کاری را در وقت خود انجام دهیم و ترتیب کارها رعایت شود. حضرت علی علیه‌السلام همه‌ی مسلمانان را به نظم در کارها سفارش نموده و می‌فرماید:

أَوْصِيكُمْ... وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ

شما را به رعایت نظم در انجام کارهایتان سفارش می‌کنم.

(نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۷)

فکر کن و بگو

ما انسان‌ها از زندگی مورچه‌ها چه درس‌های دیگری می‌توانیم بگیریم؟

گفت‌وگو کنید

به نظر شما چه عوامل دیگری باعث موفقیت می‌شوند؟



تحقیق کنید

درباره‌ی راز موفقیت دانشمندان مسلمان تحقیق کنید و نتیجه‌ی آن را در کلاس بازگو نمایید.

رهبر کوچک

روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ ارتش صدام با حمایت دولت‌های زورگو و ستمگر به کشور ما حمله کرد. او می‌خواست سه روزه خود را به تهران برساند و انقلاب اسلامی را نابود کند.

به فرمان امام خمینی (ره) جوانان زیادی به سوی جبهه‌ها شتافتند و در برابر دشمن ایستادند. آن‌ها از استقلال کشور عزیزمان ایران دفاع کردند و ما امروز به خاطر فداکاری آن‌ها در امنیت و آرامش کامل زندگی می‌کنیم.



کنار سعید نشسته بودم و به حرف‌های آقای احمدی گوش می‌دادم که درباره‌ی آغاز جنگ سخن می‌گفت. این اولین باری بود که در اردوی راهیان نور شرکت می‌کردم. وقتی حرف‌های آقای احمدی تمام شد، به طرف حسینیه‌ی شهدای گمنام شلمچه به راه افتادیم. با ادب، مقابل مزار شهیدان گمنام زانو زدیم و فاتحه‌ای خواندیم. آقای احمدی می‌گفت: پیکرهای پاک این شهیدان در این منطقه پیدا شده‌اند ولی نام و نشانی از آن‌ها وجود ندارد، به همین دلیل به آن‌ها شهدای گمنام می‌گویند. دور تا دور حسینیه با عکس‌ها و تابلوهایی تزئین شده بود. روی یکی از تابلوها جمله‌ای از امام خمینی (ره) نوشته شده بود:

«رهبر ما آن طفل سیزده ساله‌ای است که با قلب کوچک خود، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید.»

آقای احمدی گفت: این جمله در مورد شهید حسین فهمیده است. او با این شجاعتش جاودانه شده است و روز شهادتش را به نام «روز بسیج دانش‌آموزی»، گرامی می‌داریم.

با خود گفتم: حسین هم، دانش‌آموزی هم سن و سال ما بوده است... در این هنگام سعید مرا صدا زد. تعدادی از بچه‌ها کنار یک تابلو ایستاده بودند و نوشته‌ی روی آن را می‌خواندند:

«سلام ما را به امام خمینی برسانید. از قول ما به امام بگویید: همان‌طور که فرموده بودید، مانند

شهدا ستارگان درخشان تاریخ
امروز و فردای ما هستند.

مقام معظم رهبری



امام حسین (علیه السلام) مقاومت کردیم، ماندیم و تا آخر جنگیدیم.»
آقای احمدی گفت: این جملات، آخرین سخن یکی از بسیجی‌هاست که قبل از شهادت به فرماندهی خود گفته است.
بچه‌ها! شهدا پیرو راه امام حسین (علیه السلام) بودند و تا آخرین قطره‌ی خون خود از کشور اسلامی ما دفاع کردند. آن‌ها پاداش زیادی پیش خدا دارند. خدا در قرآن می‌فرماید:

وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ
فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

هر کس در راه خدا بجنگد؛ کشته شود یا پیروز گردد،
پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۴

گفت‌وگو کنید

در دوران دفاع مقدّس، غیر از شهدا چه کسانی در حملات دشمن مورد صدمه و آسیب قرار گرفتند؟



جمعیت زیادی در حسینیه جمع شده بودند. از آقای احمدی پرسیدم: چرا مردم هر سال به این مناطق سفر می‌کنند؟

او پاسخ داد: شهدا در راه خدا از همه چیز خود گذشتند. آن‌ها جانشان را فدا کردند تا میهن اسلامی پایدار بماند. فداکاری آن‌ها دشمنان اسلام را خوار و ذلیل کرد. ما به این مناطق می‌آییم تا یاد آن‌ها را زنده نگه داریم و از شهدا درس بگیریم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

بالاتر از هر کار نیک، نیکی دیگری است و
شهادت در راه خدا بالاترین نیکی است.

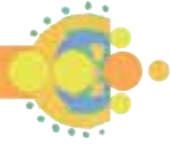
شهدا به بالاترین نیکی‌ها رسیدند و ما هم با درس گرفتن از آن‌ها می‌توانیم زندگی بهتر و زیباتری داشته باشیم.

بخشی از وصیت‌نامه‌ی یک دانش‌آموز شهید:

به همه سفارش می‌کنم که زیاد قرآن بخوانید و دعا کنید.
پدر و مادر عزیزم! شما یک عمر برایم زحمت کشیدید ولی من برای شما چه کرده‌ام؟ حدیثی هست که «اگر می‌خواهی گناهت پاک شود، به پدر و مادرت کمک کن.» ولی من برای شما این‌گونه نبودم! از شما می‌خواهم که مرا حلال کنید.



گفت و گو کنید



- ۱- به نظر شما ما دانش آموزان چه درس‌هایی می‌توانیم از شهدا بگیریم؟
- ۲- به جز شهدای دفاع مقدّس، چه شهدای دیگری در این زمان می‌شناسید؟

فکر کن و بگو



با توجه به آنچه خواندیم، به نظر شما اگر فداکاری‌های شهدا و رزمندگان نبود، چه شرایطی برای ما پیش می‌آمد؟

پیشنهاد



- ۱- بخشی از وصیت‌نامه یا خاطرات یک شهید را در کلاس برای دوستانتان بخوانید. جملاتی از این وصیت‌نامه‌ها را با خطی زیبا روی مقوّا بنویسید و در کلاس یا راهروی مدرسه نصب کنید.
- ۲- با کمک معلّم خود نمایشگاهی از عکس‌ها، خاطرات و وصیت‌نامه شهدا در مدرسه برپا کنید.



محمود کاوه



بهنام محمدی



مصطفی چمران



مهدی باقری



محمد ابراهیم همت



علی صیّاد شیرازی



حسین خرازی



محمد جهان آرا



حسن باقری



عبّاس بابایی

کامل کنید



در این جا نام تعدادی از شهدای دفاع مقدّس آمده است. در زیر بخشی از نام آن‌ها، خط کشیده شده است. این بخش‌ها را در جدول پیدا کنید و دور آن‌ها خط بکشید. حروف باقی‌مانده را به ترتیب کنار هم قرار دهید و یک کلمه بسازید. این کلمه، عنوان کسانی است که به شهیدان زنده معروف هستند. به نظر شما وظیفه‌ی ما در برابر آن‌ها چیست؟

عبّاس بابایی
حسین خرازی
محمّد جهان آرا
حسن باقری
علی صیّاد شیرازی

محمّد ابراهیم همّت
حمید و مهدی باقری
مصطفی چمران
بهنام محمّدی
محمود کاوه

ج	ی	ر	ک	ا	ب	چ	*
ه	د	ا	ی	ص	ج	م	خ
ا	ی	ر	ق	ا	ب	ر	ر
ن	ه	ا	ب	ن	ا	ا	ا
آ	م	ه	و	ا	ک	ن	ز
ر	ت	ی	د	م	ح	م	ی
ا	ی	ی	ا	ب	ا	ب	ز

شهید زنده است.

درس شانزدهم

زیارت



کبوتران دور تا دور حرم پرواز می‌کردند و گاهی بر لب حوض وسط صحن می‌نشستند. بچه‌ها روی فرش‌های صحن نشسته بودند و با کنجکاو به گنبد و گلدسته‌ها نگاه می‌کردند. زهرا گفت: چقدر حرم حضرت معصومه زیبا و با صفا است! لیلا از خانم مربی پرسید: ما به زیارت چه کسی آمده‌ایم؟ حضرت معصومه کیست؟ خانم مربی رو به بچه‌ها کرد و گفت: لیلا سؤال خوبی پرسید. انسان هر گاه به زیارت کسی می‌رود باید در مورد او شناخت داشته باشد. حضرت معصومه (سلام الله علیها)، دختر امام هفتم و یکی از زنان دانشمند و پرهیزکار در زمان خود بود. ایشان با تربیت یافتن از سوی پدر و برادرش، در نوجوانی با بسیاری از احکام و مسائل دین آشنایی داشت. نام او «فاطمه» است، اما به خاطر دوری از کارهای زشت و گناهان به



«معصومه» مشهور شد. «معصومه» یعنی پاک و پاکیزه از بدی‌ها و گناهان. زینب با کنجکاو‌ی پرسید: چرا حضرت معصومه به قم آمد؟ خانم مرتبی که منتظر این سؤال بود، گفت: ایشان برای دیدار با برادرشان، از شهر مدینه عازم خراسان شد. اما در این مسیر طولانی و دشوار بیمار شد و در شهر «قم» از دنیا رفت. خداوند به کسانی که به زیارت ایشان بیایند، در بهشت پاداش می‌دهد. بچه‌ها! حالا با احترام وارد حرم می‌شویم، زیارت‌نامه می‌خوانیم و برای خود و دیگران دعا می‌کنیم.

فکر کن و بگو



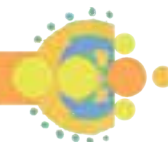
در بخشی از زیارت‌نامه‌ی حضرت معصومه (سلام الله علیها) می‌خوانیم: سلام بر تو ای دختر امام؛ سلام بر تو ای خواهر امام؛ سلام بر تو ای عمه‌ی امام. راستی می‌دانید نام این سه امام بزرگوار چیست؟



بعد از زیارت، خانم مرتبی نماز می‌خواند که ریحانه با تعجب پرسید: مگر وقت نماز شده است؟ خانم مرتبی لبخندی زد و گفت: نماز زیارت می‌خواندم. وقتی به زیارت امام یا امام‌زاده‌ای می‌رویم، خوب است دو رکعت نماز بخوانیم و ثواب آن را به ایشان هدیه کنیم. سمانه گفت: خیلی ممنون از این که ما را به اینجا آوردید. ما چیزهای زیادی یاد گرفتیم. از پدرم شنیده‌ام که حرم یکی دیگر از فرزندان امام کاظم (علیه‌السلام) نیز در شهر شیراز قرار دارد. خیلی دوست دارم به زیارت او هم بروم. خانم مرتبی گفت: آری! نام او «احمد» است که به «شاهچراغ» مشهور شده است. ایشان مردی دانا، بخشنده، شجاع و پرهیزکار بود. او هم برای دیدن برادر خود، امام رضا (علیه‌السلام) از مدینه راه افتاد و در راه به شیراز رسید. حاکم شیراز که از دشمنان امام رضا (علیه‌السلام) بود، به او و یارانش حمله کرد و آن‌ها را به شهادت رساند. در این هنگام زهرا گفت: سال قبل خواندیم که حرم یکی از امام‌زادگان نیز در شهر ری قرار دارد. خانم مرتبی ادامه داد: درست است! در درس «من معتقدم» کمی با شخصیت او آشنا شدید. او حضرت عبدالعظیم حسنی، از نوادگان امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) است. عبدالعظیم از

شاگردان و یاران امام رضا، امام جواد و امام هادی (علیهم السّلام) بوده است. حاکمان آن زمان، امامان و شاگردان آن‌ها را اذیت می‌کردند. عبدالعظیم برای نجات جان خویش به شهر ری آمد و مخفیانه زندگی می‌کرد تا این‌که بیمار شد و از دنیا رفت.

گفت‌وگو کنید



به نظر شما چرا زیارت این بزرگان دین به ما سفارش شده است؟

کامل کنید



تاکنون با تعدادی از آداب زیارت آشنا شده‌اید. «آداب زیارت» کارهایی هستند که خوب است هنگام زیارت انجام دهیم. آنها را در جاهای خالی بنویسید.

با احترام

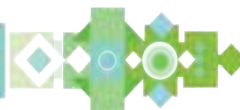
.....

برای خود و دیگران

.....

.....

خاطره‌گویی



اگر خاطره‌ای از سفر به یکی از این سه امام‌زاده دارید، در کلاس بازگو کنید.

تحقیق کنید



درباره‌ی یکی از این سه امام‌زاده که در این درس با آن‌ها آشنا شدید، تحقیق کنید و در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

دانش آموز نمونه

بچه‌ها در گروه‌های خود با هیجان مشغول صحبت درباره‌ی موضوع درس بودند. خانم معلم به همه‌ی گروه‌ها وقت داده بود تا با هم‌فکری یک‌دیگر، ویژگی‌های یک دانش‌آموز نمونه را بیان کنند. وقت که تمام شد، خانم معلم از نماینده‌ی گروه اول خواست تا نظرات اعضای گروه را برای سایر دانش‌آموزان بگوید.

مریم برخاست و با اجازه‌ی معلم شروع به صحبت کرد:

به نظر ما یک دانش‌آموز نمونه، از فرصت‌هایش به خوبی استفاده می‌کند. کارهای خود را به ترتیب





اهمیت، برنامه‌ریزی می‌کند و پس از انجام تکالیف مدرسه، فقط به تماشای برنامه‌هایی از تلویزیون می‌نشیند که برای او مفید باشد. خانم معلم به دانش‌آموزان رو کرد و گفت: این گروه به نکته‌ی خیلی خوبی اشاره کرد. اگر شما در زندگی بزرگان و دانشمندان مطالعه کنید، متوجه می‌شوید که آنها در نوجوانی و جوانی از وقت خود به خوبی استفاده می‌کردند؛ هم اهل مطالعه و علم‌آموزی بودند و هم به بازی و تفریح می‌پرداختند.

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

فرصت‌ها مانند ابر (به سرعت) می‌گذرند. از فرصت‌ها به خوبی استفاده کنید.

بعد از گروه اول، خانم معلم از گروه ما پرسید: نظر شما چیست؟ من دستم را بالا گرفتم و از روی کاغذی که نظرات دوستانم را روی آن نوشته بودم، خواندم: دانش‌آموز نمونه، کسی است که به معلم خود احترام می‌گذارد و پیش از آمدن او سر کلاس حاضر می‌شود. هنگام درس با دوستانش صحبت نمی‌کند تا حواس دیگران پرت نشود. سؤالات خود را به موقع و با اجازه‌ی معلم مطرح می‌کند تا درس را به خوبی یاد بگیرد.

امام سجّاد علیه‌السلام می‌فرماید:

حقّ کسی که به تو علم می‌آموزد، این است که احترامش را نگه داری. در حضور او با دیگران سخن نگوئی و به خوبی به سخنانش گوش فرا دهی.

نوبت به گروه سوم رسید. ریحانه از طرف گروهشان بلند شد و گفت: دانش‌آموز خوب کسی است که با دانش‌آموزان دیگر مهربان باشد. مثلاً اگر کسی در درسی ضعیف است، به او کمک کند و مراقب دانش‌آموزان کلاس‌های پایین‌تر باشد.

ریحانه ادامه داد: دانش‌آموز نمونه از وسایل خود مانند کیف، مداد و دفتر تا جایی که ممکن است استفاده می‌کند و بی‌جهت آنها را دور نمی‌اندازد؛ زیرا این کار اسراف است و خدا اسراف‌کاران را دوست ندارد.

تنها یک گروه دیگر باقی مانده بود. سمیه از طرف آخرین گروه بلند شد و گفت: به نظر ما، دانش‌آموز نمونه حقّ دیگران را رعایت نموده و از کارهایی مثل تقلّب خودداری می‌کند. زیرا می‌داند تقلّب باعث می‌شود حقّ دانش‌آموزانی که زحمت کشیده‌اند، پایمال شود. بعد از این که همه‌ی گروه‌ها نظرات خود را دادند، خانم معلم گفت: آفرین بر شما که نظرات زیبا و درستی را بیان کردید. حالا از نمایندگان هر گروه می‌خواهم مطالبی را که گفتند، روی

تابلو بنویسند. همه‌ی بچه‌ها آن‌ها را در دفترشان یادداشت کنند و ببینند چندتا از این ویژگی‌ها را دارند؟

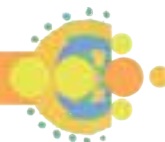
چقدر خوب است که اگر دیدیم برخی از این ویژگی‌ها را نداریم، آن‌ها را در خود ایجاد کنیم. من مطمئن هستم که همه‌ی شما با سعی و تلاش می‌توانید یک دانش‌آموز موفق و نمونه باشید.

فکر کن و بگو



با توجه به سخن امام سجاد (علیه‌السلام) انجام چه کارهای دیگری برای حفظ احترام معلم لازم است؟

گفت‌وگو کنید



یک دانش‌آموز نمونه، چه ویژگی‌های دیگری دارد که در درس به آن‌ها اشاره نشده است؟

کامل کنید



نتیجه‌های عدم استفاده‌ی درست از فرصت‌ها

۱-

۲-

۳-

نتیجه‌های استفاده‌ی درست از فرصت‌ها

۱-

۲-

۳-



معلمان محترم و اولیای گرامی دانش آموزان و صاحب نظران می توانند نظر اصلاحی خود را در باره ی مطالب
این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۱۵۸۵۵/۳۶۳ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)
talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفترتالیف کتاب های درسی ابتدایی و متوسطه نظری